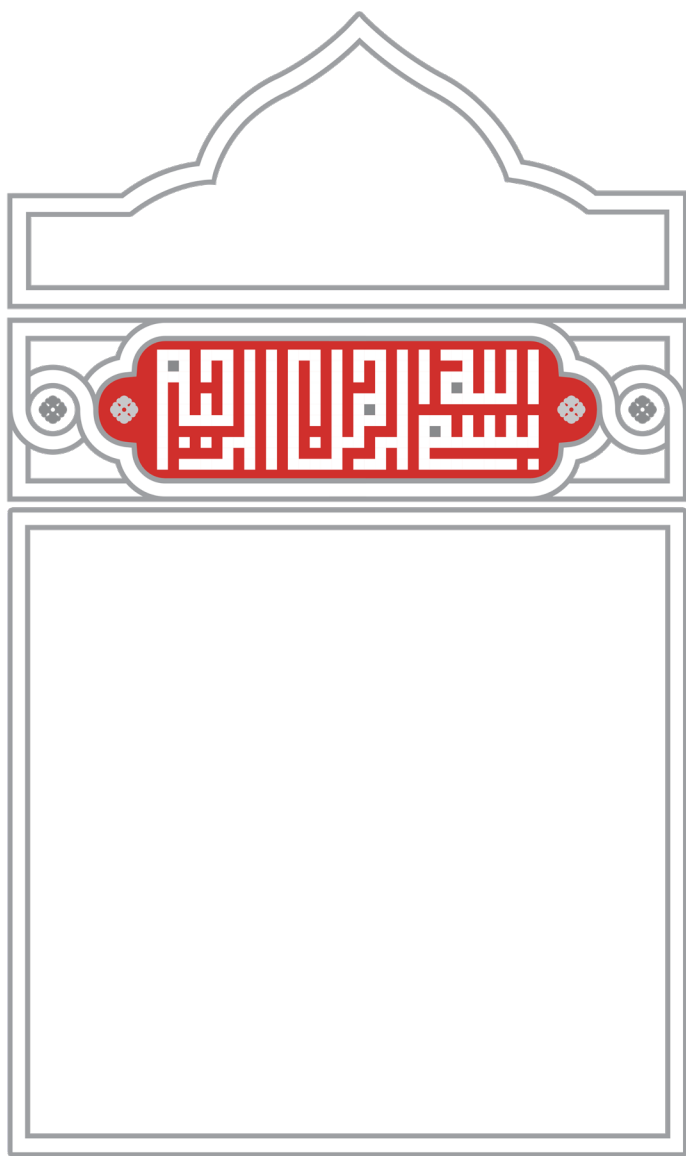




روان‌شناسی دین و مقابله با ناملازمات زندگی

«نظریه، پژوهش، کاربرست»

کِنِت آی. پارگامنت

ترجمه و یادداشت:

محمدتقی فُعالی، امیر قربانی



• مقدمه مترجم / ۱۷

درباره نویسنده / ۱۹

مروری بر نظریه مقابله دینی پارگامنت / ۲۰

ویژگی های کتاب / ۲۵

♦ فصل اول / درآمدی بر روان شناسی دین و مقابله با ناملایمات زندگی / ۳۱

چرایی مطالعه دین و مواجهه با ناملایمات زندگی؟ / ۳۶

چرا روان شناسی دین و مقابله؟ / ۳۹

آنچه که روان شناسی دین و مقابله عرضه نمی کند / ۵۲

نتیجه گیری و نقشه راهنمای کتاب / ۵۶

♦ بخش اول / چشم‌اندازی در باب دین / ۵۹

♦ فصل دوم / امر قدسی و جستجوی معنا / ۶۱

ورود به هزارتوی دینی / ۶۱

معانی متعدد دین / ۶۴

گامی به سوی تعریف دین / ۶۶

تعریف دین / ۷۸

پی‌نوشت‌ها / ۸۰

♦ فصل سوم / گذرگاه‌ها و مقاصد دینی / ۸۳

ابزار دینی: گذرگاه‌های نیل به معنا / ۸۴

غایات دینی: مقاصد معنادار و مهم / ۹۹

جهت‌گیری‌های دینی به ابزار و غایات معنادار و مهم / ۱۲۴

فراسوی جهت‌گیری‌های مذهبی / ۱۳۸

یادداشت مترجم / ۱۳۹

پی‌نوشت‌ها / ۱۴۲

◆ بخش دوم / چشم‌اندازی در باب مقابله / ۱۴۵

◆ فصل چهارم / درآمدی بر مفهوم مقابله / ۱۴۷

بافت و زمینه تاریخی مقابله / ۱۴۸

نخستین گام‌ها در مطالعه مقابله / ۱۵۹

ویژگی‌های محوری مقابله / ۱۶۵

نتایج / ۱۷۶

یادداشت مترجم / ۱۷۷

♦ فصل پنجم / سیالیت مقابله / ۱۷۹

فرض اول: افراد در جستجوی معنا هستند. / ۱۸۰

فرض دوم: رخدادها برحسب معانی آنها نزد افراد شکل می‌گیرند. / ۱۸۷

فرض سوم: افراد نظامی جهت‌ده را با خود به فرایند مقابله وارد می‌کنند. / ۱۹۵

فرض چهارم: افراد نظام جهت‌ده را به صورت شیوه‌های مقابله درمی‌آورند. / ۲۰۲

فرض پنجم: افراد طی مقابله از طریق سازوکارهای حفظ و تحول در جستجوی معنا هستند. / ۲۰۵

فرض ششم: افراد به شیوه‌هایی مقابله می‌کنند که برای آنها مجاب‌کننده است. / ۲۱۷

فرض هفتم: فرهنگ آشیانه مقابله است. / ۲۲۱

فرض هشتم: کلید مقابله موفق در پیامدها و فرایند آن نهفته است. / ۲۲۴

نتایج / ۲۳۴

یادداشت مترجم / ۲۳۶

پی‌نوشت‌ها / ۲۳۶

♦ بخش سوم / ارتباط دین و مقابله / ۲۳۹

♦ فصل ششم / هنگامه روی آوری به دین و رویگردانی از آن / ۲۴۱

آیا واقعاً در سنگرهای نبرد هیچ ملحدی وجود ندارد؟ / ۲۴۳

هنگامه تلاقی دین و مقابله / ۲۶۰

علت تلاقی دین و مقابله / ۲۶۱

چرایی گسست دین و مقابله / ۲۸۲

نتایج / ۲۸۸

یادداشت مترجم / ۲۸۹

♦ فصل هفتم / ابعاد متعدد دین در مقابله / ۲۹۵

از آسمان به زمین / ۲۹۶

فراسوی تصورات کلیشه‌ای / ۳۰۰

تأثیرگذاری بر شکل بروز و ظهور مقابله دینی / ۳۳۱

نتایج / ۳۴۶

یادداشت مترجم / ۳۴۸

پی‌نوشت‌ها / ۳۵۶

♦ فصل هشتم / دین و سازوکارهای مقابله؛ حفظ معنا / ۳۵۹

دین و حفظ معنا / ۳۶۱

پایبندی: دین و صیانت از معنا / ۳۶۳

شیوه‌ای جدید برای دستیابی به مقصدی قدیمی: دین و بازسازی مسیر معناداری / ۳۸۱

نتایج / ۴۱۱

یادداشت مترجم / ۴۱۳

پی‌نوشت‌ها / ۴۲۹

♦ فصل نهم / دین و سازوکارهای مقابله؛ تحول معنا / ۴۳۱

تغییر عقیده: دین و بازارزیایی معنا / ۴۳۳

تحول بنیادین: دین و بازآفرینی معنا / ۴۵۰

نوکیشی دینی: گذر از خویشتن به سمت دغدغه قدسی / ۴۵۱

تحول زندگی به منزله مقصد نوکیشی / ۴۵۳

تحول نفس به مثابه سازوکار نوکیشی / ۴۵۵

اعتراف به محدودیت‌های خویش / ۴۵۶

اتحاد امر قدسی با آدمی / ۴۶۱

مسئله انتخاب / ۴۶۷

بخشش مذهبی: از خشم تا آرامش / ۴۷۲

بخشش به مثابه بازآفرینی / ۴۷۴

چه چیزی به بخشش ماهیتی دینی می‌بخشد؟ / ۴۷۸

ارزش معنوی بخشش / ۴۷۹

الگوها و شیوه‌های بخشش دینی / ۴۸۰

پرسش‌هایی دشوار در باب بخشش / ۴۸۲

میزان شیوع بخشش؟ / ۴۸۲

آیا مواقعی وجود دارد که نباید بخشید؟ / ۴۸۴

نتایج / ۴۸۶

پی‌نوشت‌ها / ۴۸۸

♦ بخش چهارم / لوازم ارزیابانه و عملی / ۴۸۹

♦ فصل دهم / آیا دین کارآمد است؟ دین و پیامدهای مقابله / ۴۵۱

خودارزیابی دین داران از کارآمدی مقابله دینی / ۴۹۴

جهت‌گیری‌های مذهبی و پیامد رخداد‌های ناخوشایند زندگی / ۴۹۷

مقابله دینی و پیامد رخداد‌های ناخوشایند زندگی / ۵۰۵

انواع سودمند و زیان‌بخش مقابله دینی؟ / ۵۱۱

آیا دین در مواقع استرس برای برخی از افراد نسبت به بعضی دیگر سودمندتر است؟ / ۵۲۶

آیا دین در پاره‌ای از مواقع سودمندتر از موقعیت‌های دیگر است؟ / ۵۲۹

نتایج / ۵۴۳

پی‌نوشت‌ها / ۵۴۶

♦ فصل یازدهم / کاربرد دین در موقعیت‌های عینی / ۵۴۹

بررسی جهت‌گیری مددکاران به دین / ۵۵۱

ارزیابی دین در فرایند مقابله / ۵۶۸

کاربردهای مقابله دینی در مشاوره / ۵۷۹

لوازم عملی و فراگیرتر دین و مقابله / ۵۹۵

پیوند جهان روان‌شناسی و دین از طریق تشریک منابع / ۶۱۲

یادداشت مترجم / ۶۱۸

• نمایه اعلام / ۶۲۵

• نمایه اصطلاحات / ۶۳۳

• فهرست منابع / ۶۳۹

مقدمه مترجم

... ناموزونی‌ها جمله هماهنگی‌هاست
شَر و بدی‌های جزئی در نظام کل، همه خیر محض است
و به‌رغم این عقلِ خطاکار پُر چون و چرا
یک حقیقت چون آفتاب روشن است
هرچه هست همه در جای خود نکوست ...

زندگی آدمی در عین خوشی‌ها و لذت‌ها همواره دست‌خوش رنج‌ها و سختی‌هایی است که برون‌رفت از آن‌ها مستلزم تدبیر و استفاده از منابعی مؤثر است. این منابع، بسته به ظرفیت علمی و عملی انسان مددکار او در مقابله با این اوضاع خواهند بود. مقابله را می‌توان فرایندی قلمداد کرد که با برطرف ساختن نیازهای موقعیتی یا شخصی، در حفظ یا تحول نظام‌های معنادار از نقشی درخور توجه در زندگی برخوردار است.

دین یکی از این منابع قابل توجه و تأثیرگذار است که مقابله را به شکل مقابلهٔ دینی درمی‌آورد. در مقابله دینی که هر رویدادی در پرتو امر قدسی و ایمان به آن تفسیر می‌شود، فرد دین‌دار به این کانون معنابخش متوسل می‌شود. در منظومهٔ دینی، *ایمان* به مثابهٔ محوری‌ترین عنصر در زندگی دین‌داران، از نقشی بسیار چشمگیر برخوردار و در حیات دنیوی و تعاملات آنان ساری و جاری است. این نگرش محوری، همهٔ نگرش‌های آن‌ها همچون انسان دوستی، عدالت‌طلبی و نیز اموری فرعی‌تر مانند انتخاب شغل، دوست و همسر را تحت الشعاع قرار می‌دهد. *نگرش‌ها*^۱ در تعبیر روان‌شناختی، به روش‌های نسبتاً ثابت در فکر، احساس و رفتار نسبت به دیگران و مسائل اجتماعی؛ یا به تعبیر عام‌تر، هر حادثه‌ای در محیط اطلاق می‌شوند. در نگرش روان‌شناختی، هر نگرشی از سه عنصر «فکری، عاطفی و رفتاری» تشکیل می‌شود و بین این عناصر همواره تعامل وجود دارد: هر رفتاری واجد عناصر عاطفی است و در هر حالت عاطفی نیز عنصری ادراکی به چشم می‌خورد. عناصر *شناختی* به فکر و تفسیر خاص؛ *عاطفی* به هیجان‌های مثبت و منفی و *رفتاری* به نحوهٔ خاصی از اقدام فرد دلالت دارند.

تلقی فوق از ایمان، دارای خصیصه‌ای کاربردی و عینی است و تناسب بسیاری با مبحث مقابله با ناملایمات زندگی دارد. هر یک از این عناصر، شکل‌دهندهٔ سه نوع مقابله متفاوت، با آثار متنوع خواهند بود: الف) مقابله‌های شناختی به «شناخت و تفاسیر آدمی از رویدادها یا نسبت خود با آن‌ها» مربوط می‌شوند و شامل نگرش او به زندگی و معنای آن هستند. نظام شناختی و اعتقادی، انسجامی را در درون دین‌داران شکل می‌دهد که جهان را برای آن‌ها قابل درک و معنادار و رویدادهای آن را قابل مهار می‌سازد؛ ب) «تنظیم عواطف، جلوگیری از غلبهٔ هیجانات و برون‌ریزی عواطف» از مشخصه‌های اصلی مقابله‌های عاطفی به شمار می‌رود و ج) مقابله‌های رفتاری نیز با ایجاد امید، صمیمیت با دیگران، آرامش هیجانی و نزدیکی به خدا در رفع مشکلات مددکار هستند.

1. attitude.

ایمان با بروز سه گانه خویش سبکی از زندگی^۱ را رقم می زند که از آن به *حیات طیبه*^۲ تعبیر می شود. کانون این زندگی، ساری و جاری بودن یاد و نام خدا در تمام زوایای زندگی است. جلوه گیری این حضور در برهه های دشوار بسیار نمایان و قابل توجه است. در واقع، ایمان مؤمنان با ایجاد پایداری در قبال رویدادهای تلخ، حلم در تعامل با دیگران و خویش شدن داری در رویارویی با ناملایمات پرده ای از زندگی دین دارانه را به نمایش می گذارد.

درباره نویسنده

کیت آی. پارگامنت^۳ (۱۹۵۰م) استاد بازنشسته روان شناسی دانشگاه بولینگ گرین^۴ در ایالت اوهایو است. او تحصیلات آکادمی خود را سال ۱۹۷۷ در دانشگاه مرلند به اتمام رساند و مدرک دکتری را دریافت کرد. طی این سال ها مطالعات او ناظر به روابط متنوع دین، روان شناسی، سلامت و استرس بوده است. به علاوه، مجوز فعالیت در زمینه روان شناسی بالینی دارد و طبابت نیز می کند.

پارگامنت تاکنون بیش از ۲۰۰ مقاله در حوزه دین و معنویت در روان شناسی به رشته تحریر درآورده است. او به دلیل مشارکت های علمی در روان شناسی دین و ارائه تحلیل های علمی بالینی در ارتباط با نقش دین در سلامت روان شهرتی جهانی دارد. پارگامنت دو کتاب ارزشمند در همین زمینه نگاشته است: *روان شناسی دین و مقابله: نظریه، پژوهش و کاربری*^۵ و *روان درمانی به لحاظ معنوی یکپارچه: فهم و شناسایی امر قدسی*^۶. این دو اثر گران سنگ برنامه ای نظام مند را در اختیار پژوهش های تجربی قرار می دهند. پارگامنت مقالات متعددی نیز در همین

1. lifestyle.

۲. نحل / ۹۷.

3. Kenneth I. Pargament.

4. Bowling Green University.

5. The Psychology of Religion and Coping: Theory, Research, Practice.

انری که در قالب کتاب حاضر ترجمه شده است.

6. Spiritually Integrated Psychotherapy: Understanding and Addressing the Sacred.

این کتاب به زبان فارسی با این عنوان ترجمه شده است: سیدمحمد کلانتر و همکاران، روان درمانی آمیخته با معنویت: درک و شناسایی امر مقدس، آوای نور، ۱۳۹۵.

باب به‌طور مستقل یا با همکاری محققان دیگر نگاشته است، برخی از این مقالات عبارت‌اند از:

۱. در باب ابزار و غایات: دین و جستجوی معنا
۲. رابطه دین، نظام‌های حمایتی دینی و سلامت روان
۳. کلیسای محافظه‌کار: نقاط ضعف و قوت
۴. شیوه‌های مقابله دینی با جنگ خلیج فارس: تحلیل مقطعی و طولی
۵. دین و فرایند حل مشکل: سبک‌های مقابله
۶. رابطه بین جهت‌گیری دینی به مقابله دینی با حوادث ناخوشایند زندگی
۷. دین صرفاً به مثابه ابزاری دفاعی؟ انواع مختلف ابزار و غایات دینی
۸. مشارکت دینی، انگیزش دینی و توانمندی روانی فردی

مروری بر نظریه مقابله دینی پارگامنت

پارگامنت اقدامات مقابله‌ای را از منظری متفاوت مورد ملاحظه قرار داده است. این ایده که در اثر جامع او با عنوان «روان‌شناسی دین و مقابله: نظریه، پژوهش و کاربرست» و مجموعه متعددی از مقالات علمی‌اش مطرح شد، در کانون توجه اندیشمندان حوزه روان‌شناسی قرار گرفت و مسیر بخش عظیمی از پژوهش‌های تجربی را به بررسی رابطه میان مقابله دینی و سلامت روان سوق داد. از نظر پارگامنت، مقابله فرایندی پیوسته در حال تغییر است که نیازهای موقعیتی یا شخصی افراد را در زندگی برطرف می‌کند. بنابر این تعریف، الف) افراد عاملانی خلاق و در پی ترسیم آگاهانه از معنای رخدادها و امور ارزشمندند و ب) درصدد پایبندی به مفهومی از ارزش و معنای زندگی طی دوران گذار هستند. به بیان دقیق‌تر، افراد دارای نظام جهت‌گیری منسجمی‌اند که این نظام شیوه‌ای را برای نگرش به جهان و مواجهه با موقعیت‌های عینی آن در اختیار آن‌ها می‌نهد.

پارگامنت دین را به مثابه جستجوی معنا به نحوی مرتبط با امر قدسی تعریف می‌کند. این تعریف حاوی دو مؤلفه جستجوی معنا و امر قدسی است. جستجوی امر قدسی با هدف کشف امر قدسی، گفتگو با امر قدسی پس از

فصل اول

درآمدی بر روان‌شناسی دین و مقابله با ناملایمات زندگی

پرواز مسافربری شماره ۲۳۲ از دنور^۱ به مقصد شیکاگو^۲ در نوزدهم ژوئیه ۱۹۸۹ با مشکلات فنی جدی مواجه شد. انفجار در انتهای هواپیما به یکی از موتورهای آن آسیب زد و سیستم هیدرولیکش را از کار انداخت. ظرف یک ساعت پس از وقوع این اختلال، کارکنان هواپیما تلاش می‌کردند که آن را در آسمان نگه دارند. مسافران نیز هر یک با شیوه خاص خود با این تهدید جانی دست‌وپنجه نرم می‌کردند. اندکی پس از فرود اضطراری هواپیما، مجله «زندگی» با نجات‌یافتگان این حادثه مصاحبه کرد (در این موقعیت من... بودم، ۱۹۸۹). این واقعه ناگوار موجب شده بود که بسیاری از بازماندگان حادثه باورها، احساسات و اعمال دینی را به شکلی بروز دهند. در اینجا گزیده‌ای از آن‌ها را نقل می‌کنیم:

1. Denver.

2. Chicago.

پس از اینکه خدمه پرواز راه و رسم فرود اضطراری را بیان کردند، غوطه‌ور در افکارمان شدیم. آن لحظه بود که دست به دعا شدم. چشم‌هایم را بستم و در چنین فکری فرو رفتم: خدای مهربانم، دعا می‌کنم که هدایت‌گر دستان خلبان باشی. در این اندیشه نیز بودم که اگر خواست خدا این است که زندگی من خاتمه پیدا کند، سر تسلیم فرود می‌آورم. سرشار از آرامش بودم، در کرانه ابدیت نشسته بودم و با پایان زندگی‌ام رویه‌رو بودم.

از هواپیما بویی همانند خانه گرفتار حریق برمی‌خاست. از زنده ماندنم شادمان بودم، اما لحظه‌ای که مرگ را با چشمان خود دیدم و راجحه آن را استشمام کردم، عمیقاً اندوهگین شدم؛ گویی که در آستانه جهنم ایستاده بودم. کتاب مقدس را از کیفم بیرون آوردم، این تنها چیزی بود که می‌خواستم.

اعتقادی به این ندارم که موجودی متعال، مهربان و پاسخگو در قبال همه انسان‌ها وجود داشته باشد. بعضی از من می‌پرسند آیا پس از نجات از مرگ هنوز هم به خدا اعتقاد نداری. اگر در این حادثه فقط انسان‌های ناباب جان خود را از دست داده بودند، شاید کمی بیشتر این باور در من قوت می‌گرفت. اما این اتفاق نیفتاد، مادرانی جان خود را از دست دادند که فرزندان کم سن و سال داشتند.

همه کارهای موردنیاز را برای مواجهه با مرگ انجام دادم. آن لحظه در این فکر بودم که ای کاش مجدداً در خانواده‌ای امکان زندگی پیدا کنم که بتوانم آموزه‌های بودا را بشنوم. در زندگی‌ام مراقبه‌های بودائی متعددی را انجام داده بودم و همین امر مرا آماده کرده بود که به آگاهی نافذی دست یابم. هنگام سقوط وضعیت صندلی را به حالت عمودی برگردانده بودم و کاملاً متمرکز بر آن بودم.

چند روز پس از حادثه، خانمی نزد من آمد که در تلویزیون مرا دیده بود. از من پرسید که آیا بابت زنده ماندن از خداوند سپاسگزار هستی. پاسخ دادم: بله اما درعین حال این فکر در سرم بود که آرام بگیر زن! اصلاً نیازی هم به این زنده ماندن نداشتی (ص ۲۹-۳۱، ۳۳، ۳۸).

اکثر ما انسان‌ها در طول زندگی با لحظاتی خطرناک مواجه می‌شویم؛ فقط گاهی از این حوادث به برجستگی حادثه سقوط هواپیماست و برهه‌های حساس و خطرناک زندگی اغلب شامل گرفتاری‌ها و تحولات عادی زندگی روزمره است. این مشکلات به شکل‌های مختلفی در زندگی خودی نشان می‌دهند: اختلافات خانوادگی، کشمکش‌های شخصی، مشکلات شغلی، دردهای مالی، تولدها، بیماری‌ها و مرگ و میرها. گاه نیز مسائل اجتماعی کلان مانند فقر، نژادپرستی یا تهدید جنگ هسته‌ای سایه سنگین خود را بر زندگی می‌افکنند. تحمل پیامدهای این لحظات، خواه مورد انتظار باشند و خواه غیرمترقبه، چه کوتاه باشند و چه بلندمدت، فردی باشند یا اجتماعی، گاه خارج از توان عادی انسان‌های معمولی است. در این برهه‌های حساس، چنانکه بسیاری از بازماندگان پرواز ۲۳۲ اظهار داشتند، دین عمیقاً می‌تواند دخیل و کمک‌کار باشد.

از منظر برخی افراد این ادعا عجیب می‌نماید؛ سالیانی است که از کاهش دین‌داری در دنیای صنعتی سخن گفته می‌شود. اقدامات فرقه‌ها، تبشیرگران (مبلغان) تلویزیونی^۱ یا شورش‌های مذهبی در اقصی نقاط کره زمین گاه سرتیتر اخبار می‌شود و افراد در واکنش به این جریانات، به نشانه تأسف سری می‌جانبانند و بی‌آنکه پیگیر این جریانات باشند، آن‌ها را به منزله اقداماتی ناهنجار در جهانی می‌انگارند که از امور فراطبیعی روی گردانده است. اما در این میان، شاخص‌های دیگر (گرچه از چشمگیری چندان برخوردار نیستند و نامحسوس‌تر هستند) بیانگر آن‌اند که دین نیرویی قدرتمند در زندگی بسیاری از افراد (اگر نگوییم اکثر آن‌ها) در صحنه باقی مانده است و نقش آفرینی می‌کند. به عنوان نمونه، طبق نتایج آمارگیری مؤسسه گالوپ^۲ در سال ۱۹۸۸، از هر ۱۰ آمریکایی، ۹ نفر چنین می‌گفتند که: هرگز در وجود خداوند شک نکرده‌اند؛ ۸۲ درصد معتقد بودند امروز خدا معجزه‌ای در زندگی آن‌ها خواهد کرد؛ ۷۹ درصد اظهار می‌داشتند که گاه حضور خدا را در زندگی‌شان کاملاً درک می‌کنند؛

1. televangelist.

2. Gallup.

۷۱ درصد به زندگی پس از مرگ ایمان داشتند (گالوپ و کاستلی، ۱۹۸۹). با اینکه میزان عضویت افراد در فرقه‌های سنتی پروتستان^۱ رو به افول نهاده است، افزایش عضویت در فرقه‌های دیگر دینی، غیرغربی و تبشیری، جبرانی بر این کاهش عضویت به شمار می‌رود. همه این امور بیانگر آن است که نور دین هرگز خاموش شدن نیست.^۲

پرسورترین نشانه‌های حیات دینی را در مواقع استرس می‌توان سراغ گرفت. این ادعا که دین به نحوی تنگاتنگ با برهه‌های مهم زندگی گره خورده است، نباید بسیار تعجب برانگیز باشد. سختی، رنج و تعارض در زندگی بشر همواره کانون توجه ادیان بزرگ جهان بوده‌اند. هریک از آن‌ها به شیوه خاص خود، مخاطره‌آمیزی زندگی را تصدیق می‌کنند. در آیین بودا^۳ اعتقاد بر این است که وجود پیش از همه به صورت رنج تجربه می‌شود (دوکه)^۴؛ این اصطلاح به معنای رنج جسمانی و روحی، دگرگونی‌های ناخوشایند و فقدان آزادی است (گارد، ۱۹۶۲). بنا بر آموزه‌های یهودیت^۵، رنج در این جهان به نحوی آشکار از طریق یادآوری بردگی و ظلم و ستم و تجلیل آزادی درک می‌شود. مسیحیت^۶ نیز مدلی از رنج را در جهان از طریق مصلوب شدن^۷ عیسی مسیح عرضه می‌کند. بدین ترتیب، ادیان جهان درکی عمیق از ماهیت اغلب رنج‌آور شرایط انسانی دارند و حتی مهم‌تر اینکه، سنت‌های دینی دیدگاه خود را درباره نحوه واکنش به این شرایط بیان کرده‌اند. طبق تعابیر کلیفورد گیزتز^۸، انسان‌شناس

1. mainline Protestant.

۲. بررسی فرانک نیوپورت نیز به نتیجه‌ای جالب توجه منتهی شد: از هر ۱۰ آمریکایی ۷ نفر از آنها به شدت یا کم‌وبیش مذهبی بودند. او در اثر خود با عنوان خدا سرزنده و سرحال است: آینده دین در آمریکا نتیجه‌گیری می‌کند که حتی در صورت تحول در شیوه‌های ابراز دینداری و نحوه عبادت افراد، دین پیوسته مؤلفه‌ای مهم در زندگی پیش روی آمریکایی‌ها خواهد بود. (م) رک به:

God Is Alive and Well: The Future of Religion in America, P.190, Gallup Press, 2012.).

3. Buddhism.

4. dukkha.

5. Judaism.

6. Christianity.

7. crucifixion.

8. Clifford Geertz.

برجسته (۱۹۶۶)، هر دینی باید به این مسئله پردازد که چگونه باید رنج کشید، چگونه باید رنج جسمانی، لطامات فردی، شکست‌های این جهانی یا غور و تأمل سرگردان در خصوص رنج دیگران را به اموری تحمل‌پذیر یا به تعبیری، تاب‌آوردنی مبدل ساخت (ص ۱۹). با اینکه ادیان گوناگون راه‌حل‌های مختلفی را برای حل مشکلات در نظر دارند، هریک از آن‌ها شیوه‌ای را برای کنار آمدن با رنج، مصیبت و مهم‌ترین مسائل زندگی ارائه می‌دهند.

کتاب پیش رو به بررسی نقش دین در برهه‌هایی می‌پردازد که افراد به بوتهٔ آزمون گذارده می‌شوند. البته مقصود این نیست که به تحلیل تطبیقی سنت‌های بزرگ دینی می‌پردازیم. به علاوه، قصد نداریم در این کتاب به تجزیه و تحلیل اعمال و باورهای شخصی دینی به منزلهٔ امور انتزاعی محض روی بیاوریم. هدف ما در اینجا تمرکز بر موضوعی عینی تر است؛ یعنی زمینه و عرصه‌ای که دین با بحران تلاقی پیدا می‌کند. داده‌های مورد استفاده در این کتاب همچون گزارش مربوط به بازماندگان پرواز ۲۳۲ که به ابتدایی‌ترین شکل ممکن و بدون پردازش عرضه می‌شوند، برگرفته از تجارب افراد در برهه‌های ابتلا و آزمایش است. پاسخ این افراد به صورت انتزاعی، جدا یا بریده از واقعیت تجربی نیست؛ این پاسخ‌ها متضمن افکار، احساسات و عملکردهایی است که در تاروپود این لحظات خطیر تنیده‌اند. واکنش‌های مذکور ساده نیستند، بلکه پرده از چهرهٔ متنوع و غنی عملکردها و صور دینی برمی‌دارند. نگاه واقع‌بینانه به دین در بحبوحهٔ بحران‌ها از کلی‌گویی مذهبی صرف به چند مسئلهٔ مشخص روی می‌آورد: دین چه هنگام در مواجهه با مواقع دشوار وارد عمل می‌شود؟ دین چه دردی از آلام بشری را درمان می‌کند؟ چرا نزد برخی افراد دین در طاقت‌فرساترین لحظات، کارآمد نیست؟ نقش دین در جریان مواجهه با این ناملایمات چیست: نقشی صرفاً تدافعی، شیوهٔ منفعلانه یا شکلی از انکار؟ دین چگونه تلاش می‌کند امور مهم و ارزشمند نزد افراد را حفظ کند یا اینکه به چه روشی، درصدد تغییر آن برمی‌آید؟ آیا خود دین در فرایند مواجهه با ناملایمات دستخوش تغییر و تحول می‌شود؟ در جریان

مقابله، چه روش‌هایی از دین سودمند یا زیان‌بخش هستند؟ سرانجام اینکه، چگونه می‌توان از دین به نحوی کامل‌تر برای کمک به افراد در برهه‌های بحرانی استفاده کرد؟ این‌ها پرسش‌های اصلی کتاب حاضر هستند و قلمرو دین و مقابله را تعریف و تحدید می‌کنند.

پیش از پرداختن به ادامه بحث، اجازه دهید این نکته را متذکر شوم که واژه دین در اینجا با معنای حداقلی خود یا به تعبیری، مناسک، باورها و مشارکت مذهبی و نهادی به کار نمی‌رود؛ بلکه این اصطلاح را در معنای حداکثری و فراگیر آن، اعم از تجارب مذهبی و نهادی و تجربه‌های دینی فردی همچون، احساس جنبه روحانی، باورهایی در باب امر قدسی و اعمال دینی به کار می‌بریم. در فصل آتی به بحث بیشتر درباره معنای دین خواهیم پرداخت.

چرایی مطالعه دین و مواجهه با ناملایمات زندگی؟

سه دلیل مناسب برای بررسی و مطالعه دین و مواجهه با ناملایمات زندگی وجود دارد:

۱. مطالعه این دو حوزه اطلاعاتی را درباره مواجهه با ناملایمات زندگی در اختیار ما می‌گذارد. در حساس‌ترین لحظات زندگی است که نقاب از صورت آدمی می‌افتد و چهره دیوگون و فرشته‌گون او فاش می‌شود (فرانکل، ۱۹۸۴، ص ۱۷۸). بررسی این لحظات حساس کمک می‌کند تا به تصویری صحیح و کامل از ذات انسانی که سرگرم زندگی روزمره است، نائل شویم. در این برهه‌هاست که پرده از جنبه تاریک شرایط انسانی برداشته می‌شود؛ آدمی شکست می‌خورد، پریشان‌خاطر می‌شود، خود را فریب می‌دهد و برای پیشبرد منافعش دیگران را قربانی می‌کند. از این گذشته، در این اوضاع جنبه متهورانه‌تر انسان نیز نمایان می‌شود؛ به همان اندازه که عناصری همچون استقامت، اراده معطوف به زندگی، شهامت و در واقع رشادت بخشی از ذات انسان هستند، گوشه‌گیری، طفره رفتن، کامروایی‌های هوس‌آلود و بی‌مقدار که بخش عظیمی از ذهن ما را مشغول کرده است، جزئی از ذات آدمی به شمار می‌روند (وایت، ۱۹۷۴، ص ۶۴).